

صادق هدایت

زننده به گور

«نقدھا و نظرھا»

زنده به گور

صادق هدایت

به کوشش جهانگیر هدایت

نشر ورجاوند

چاپ اول، بهار ۱۳۸۳

۲۰۰۰ نسخه

حروفچینی: ورجاوند

مدیر هنری و طراح جلد: سعید زاشکانی

لیتوگرافی: تارنگ

چاپ جلد: سازمان چاپ پز

چاپ و تصحیف: حیدری

هدایت، صادق: ۱۳۸۱ - ۱۳۳۰.

[زنده به گور، چند زیانه]

زنده به گور: غذاها و نظرها (ترجمه انگلیسی و ارمنی)/

صادق هدایت؛ [ترجمه به انگلیسی از کارتر برابانت،

ترجمه به ارمنی خاچیک خاچیک؛ به کوشش جهانگیر

هدایت. - تهران: نشر ورجاوند، ۱۳۸۲. ۱۷۶ ص.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیله

ارمنی - انگلیسی - فارسی ۱. هدایت، صادق ۱۳۸۱ -

۱۳۳۰ - ترجمه شده به انگلیسی. ۲. هدایت، صادق،

۱۳۸۱ - ۱۳۳۰ - ترجمه شده به ارمنی. ۳. داستان های

کوتاه فارسی - قرن ۱۴. الف. برایانت، کارتر

Bryant, Carter. به خاچیک، خاچیک: ۱۳۲۵ -

مترجم: ج. هدایت، جهانگیر، گردآورنده: د. عنبران.

۸/۶/۶۲ PIR۳۰۴/۸.۳۳

ت/ز ۴۴۷ هـ ۱۳۸۳

کتابخانه ملی ایران ۶۸۰۸ - ۸۳.

محل نگهداری:

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۶۴-۷۶۵۶-۷۸۵

ISBN 964-7656-78-5

آدرس: تهران، صندوق پستی ۱۴۱۹۵-۱۹۸

تلفکس: ۸۵۷۵۲۲۷-۸

Varjavand_nashr@yahoo.com

«همراه با ترجمه انگلیسی و ارمنی»

ترجمه انگلیسی: کارتر برایت

ترجمه ارمنی: خاچیک خاچر

به کوشش جهانگیر هدایت

فهرست

صفحه	عنوان
۷	پیش گفتار
۱۷	سرگذشت
۲۱	سال شمار تفصیلی آثار صادق هدایت
۳۳	نقد‌ها و نظر‌ها درباره «زنده به گور»
۵۵	داستان «زنده به گور»
۱ لاتین	ترجمه ارمنی «زنده به گور»
۳۳ لاتین	ترجمه انگلیسی «زنده به گور»
۷۶ لاتین	ترجمه انگلیسی سال شمار تفصیلی آثار صادق هدایت

پیش گفتار

صادق هدایت در سال ۱۹۲۹ میلادی در ایامی که در پاریس تحصیل می کرد این داستان کوتاه را نوشت. این اولین داستان کوتاهی بود که او نوشت. قبلاً مقالات دیگری نوشته و چاپ شده بودند ولی به عنوان داستان کوتاه، «زننده به گور» اولین است.

از این گذشته این داستان از نظرگاه دیگری حائز اهمیت است. این اولین روان داستان Psycho - Fiction هدایت است. اصولاً هدایت چند روان داستان بیشتر ندارد که علاوه بر این داستان «سه قطره خون»، «بوف کور» و «تاریک خانه» را هم از همین نوع می دانند. البته «بوف کور» مقام، جا و مکانی دارد که اعتبار و شهرت آن دنیائی را فرا گرفته است. «زننده به گور» به عنوان اولین داستانی که مرگ را می جوید و از زندگی فراری و بیزار است جای خود را دارد. عده ای را عقیده بر آن است که صادق هدایت در نوشتن «زننده به گور» و «سه قطره خون» در واقع تمرین و

تجربه‌ای برای روی آوردن به شاهکارش «بوف کور» را می‌کرد. در «زنده به گور» ما با دیوانه‌ای روبرو هستیم که تمام خوشی‌ها و زیبایی‌های زندگی را کنار می‌زند و با سماجت غیر قابل تصویری به مرگ روی می‌آورد:

«خودکشی با بعضی‌ها هست. در خمیره و سرشت آن‌هاست. نمی‌توانند از دستش بگریزند... نمی‌توانم از خودم فرار بکنم. باری چه می‌شود کرد؟ سرنوشت پرزورتر از من است.»

بله سرنوشت و مرگ گری‌زورمند تمام لذت‌ها و شیرینی‌های زندگی را خورد و خمیر می‌کند و قهرمان داستان را به سوی سیاهچال مرگ می‌کشاند. قهرمان داستان این دنیا را یک خیمه‌شب‌بازی و تماشاخانه‌ای می‌داند بسیار بزرگ که برای هر کسی یک نقش خاصی تراشیده‌اند و ناگزیر است نقش خود را بازی کند:

«به زندگی می‌خندیدم، می‌دانستم که در این بازیگرخانه بزرگ دنیا هر کس یک جواری بازی می‌کند تا هنگام مرگش برسد.»

این قهرمان تمام هم و غم خود را صرف این می‌کند که خودش را بکشد ولی موفقی نمی‌شود:

«آری سرنوشت هر کس روی پیشانی‌اش نوشته شده. خودکشی هم با بعضی‌ها زاییده شده، من همیشه زندگی را به مسخره گرفتم.»

هدایت وقتی این داستان را نوشت ۲۶ سال داشت. قرار بود در پاریس تحصیل



کند ولی عملاً درستی نتواند. مطالعه کرد، تجربه کرد، دنیا را دید و بسیاری نکته‌ها را آموخت. قهرمان داستان به هر دری می‌زند نمی‌تواند خودش را بکشد: «دیگر هیچ چیز در من کارگر نیست، سیانور خوردم در من اثر نکرد، تریاک خوردم باز هم زنده‌ام! اگر اژدها هم مرا بزند اژدها می‌میرد».

قهرمان داستان خود را در محاصره حلقه‌ای از آتش می‌بیند. شنیده‌ام وقتی دور کژدم آتش بگذارند خودش را نیش می‌زند: آیا دور من یک حلقه آتشین نیست؟

در «زنده به گور» هدایت پیام صریح و شفاف‌تری دارد: کسانی که برای زندگی نیافریده شده‌اند باید بمیرند.

سراسر این داستان انباشته از تخیلات و هیجانات و افکار مژدگی است که زندگی را باخته است. و تمام سعی خودش را مبذول می‌کند که هرچه زودتر، سریع‌تر خود را از رنج زندگی برهاند.

سرانجام از او یادداشت‌هایی به دست می‌آورند و یک دسته ورق. دسته ورق چرا؟ دسته ورق وسیله‌ای است برای فال گرفتن، بعضی‌ها می‌خواهند خوبی‌ها و بدی‌ها و آینده خود را در میان ورق‌ها جستجو کنند. چقدر مسخره است که زندگی را در ورق‌هایی مقوایی بجویم. ورق‌گورنده سرنوشت هم هست. فالگیر با ورق، خوش‌باورها را قریب داده و برای آن‌ها گذشته و حال و

آینده را رقم می زنند. چه خرافاتی؟ ورق از همه این ها گذشته رایج ترین وسیله قمار است.

انواع و اقسام بازی ها را با ورق اختراع کرده اند و بسیاری از انسان ها به بازی با این اوراق به شدت عشق می ورزند. این انسان ها «قمارباز» هستند یعنی بازنده قمار.

با آن که بازنده اند و می دانند که خواهند باخت اما نیروی شیطانی غریبی آن ها را به سوی ورق می کشاند و چه زندگی ها که فدای همین ورق شده است. در کشوی میز قهرمان داستان هم یک دسته «ورق» پیدا می شود. پیدا شدن ورق در این کشور ناگفته های بسیاری است که هدایت در یک جمله نوشته است. این داستان خود نام مجموعه داستانی شد که به نام «زننده به گور» انتشار یافت. این مجموعه را ناشرین، کتاب سازهای سردجو به انواع و اقسام شکل و هیئت چاپ کردند.

در واقع «زننده به گور» را چندبار نبش قبر کردند. بار اول در سال ۱۳۷۲ اجازه چاپ و انتشار «زننده به گور» همراه «سه قطره خون» به یک شخص حقیقی، شخصی که نه ناشر بود، نه نویسنده، نه ادیب بود و معروف، دادند که این دو داستان را چاپ کند. این شخص هم این داستان را با تعداد زیادی تغییر و تحریف و حذف اما به نام صادق هدایت به شکل و شمایل مبتدلی چاپ کرد. برای آن که دقیقاً



روشن شود ناشر «یک نفر» چه بلایی بر سر این داستان آورده حذفیات و لکه سازی ها را نقل می کنیم:

از صفحه ۱۱ متن اصلی «زنده به گور»^۱ در سطرهای ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸ جمعاً هفت جمله حذف شده است.

از صفحه ۲۵ سطر ۲۴ یک جمله حذف شده است.

از صفحه ۲۴ سطر ۳۱ و ۳۲ دو جمله حذف شده اند.

صفحه اول کتاب نوشته شده: «گردآورنده محمد شریفی» واقعاً چقدر ایشان زحمت کشیده و پژوهش کرده که داستان های «زنده به گور» را «گردآوری» کرده است! در صفحه بعد نوشته: «ناشر گردآورنده» واقعاً چشم مسئولین وزارت ارشاد در سال ۱۳۷۲ روشن که چنین نظم و نسقی در کار نشر و کتاب داشته اند! البته این عمل غیر فرهنگی با اعتراض شدید بازماندگان صادق هدایت مواجه شد.

در مجموعه هائی از آثار صادق هدایت هم این داستان با نبش قبر مختصری چاپ شد. آخرین نبش قبر مربوط به سال ۱۳۸۲ می باشد.

«زنده به گور» جدید چنان نبش قبری از این کتاب است که نبش قبر قبلی محمد شریفی را روسفید کرده است. در این کتاب در ۴۲ برگ از صفحات آن ۴۴ مورد تحریف، تغییر یا لااقل اشتباه دیده می شود. توزیع این تغییرات در صفحات از

این قرارند:

صفحه	تعداد تغییر	صفحه	تعداد تغییر
۹	۲	۱۵	۲
۱۰	۳	۱۶	۲
۱۱	۲	۱۷	۱
۱۳	۲	۱۸	۱
۱۹	۱	۴۴	۱
۲۰	۳	۴۵	۱
۲۱	۴	۴۶	۱
۲۲	۲	۴۸	۱
۲۳	۱	۵۰	۱
۲۴	۱	۵۲	۱
۲۵	۲	۵۵	۱
۲۶	۱	۵۷	۱
۲۷	۲	۵۹	۱
۲۸	۲	۶۰	۱
۳۱	۲	۶۱	۱
۳۳	۱	۶۲	۱



زنده به کور

صفحه	تعداد تغییر	صفحه	تعداد تغییر
۳۶	۴	۶۵	۱
۳۸	۱	۶۶	۱
۴۱	۲	۶۸	۱
۴۳	۴	۷۰	۱
۴۴	۱	۷۱	۳
		۷۲	۱

علاوه بر این در صفحه ۱۲ یک جمله کامل؛ در صفحه ۲۰ یک کلمه؛ در صفحه ۲۴ یک جمله کامل؛ در صفحه ۲۵ یک جمله کامل؛ در صفحه ۳۵ یک جمله کامل و در صفحات ۴۳، ۴۶، ۷۱ و ۸۳ هر کدام یک کلمه حذف شده‌اند. به عنوان مثال یکی از این تغییرات یا اشتباهات ذکر می‌شود. به جای ۱۳۰۹ چاپ شده ۱۳۵۹. ۱۳۰۹ سالی است که صادق هدایت این داستان را نوشته اما در کتاب «نیشن قبر زنده به گور»، ۵۰ سال بعد از مزار خود در «پرلاشیز» آمده تهران این داستان را نوشته و برگشته است!

برای نگارنده گاه این سؤال مطرح می‌شود که آیا در منخدوش کردن آثار صادق هدایت عمدی در کار است؟ آیا یک ناشر یا اغماض یا بی‌توجهی متصدیان



در وزارت ارشاد عمداً از آثار مهم و با ارزش صادق هدایت چاپ‌های مبتذل و غلط و کاریکاتورمانندی می‌سازند و به بازار کتاب می‌فرستند که در آینده معلوم نشود اصل اثر کدام است؟ به هر تقدیر ناشری که دست به این عمل غیرفرهنگی زده نشر... است و کتاب «زننده به گور» که توسط این ناشر چاپ و منتشر شده ظاهراً نام کتاب صادق هدایت و نام این نویسنده بزرگ ایران را روی جلد خود دارد و در معنا این کتاب «زننده به گور» واقعی نیست و یکی از زشت‌ترین چهره‌هائی است که از این کتاب دیده شده است.

متأسفانه مسئولین فرهنگی مملکت به این گونه رویه‌های غیرفرهنگی هیچ توجهی ندارند. این کار ناشرین خیانت است. خیانت به ادبیات، خیانت به معروف‌ترین نویسنده معاصر ایران، خیانت به میراث اصیل فرهنگی، خیانت به اعتباری که بایستی برای بزرگان ادب ایران قائل باشیم. کتابی که عکس هدایت را روی جلد آن باشد و نام او در کنار عکس قرار گیرد و انباشته باشد از تغییر و تحریف و حذف، چه می‌توان نامید؟ تمام کسانی که در چاپ چنین کتابی اثری داشته‌اند به ادب و فرهنگ این مملکت خیانت کرده‌اند، ناشر، اجازه دهنده، چاپ‌خانه، پخش‌کننده، و حتی فروشنده. به یاد داشته باشیم که تولید‌کننده، توزیع‌کننده و فروشنده هر جنس قلابی خلاف کارند. فرهنگ و ادبیات ما وقتی جای واقعی خود را در اجتماع کسب می‌کند که پخش‌کننده بگوید من این



کتاب سازی مبتذل را پخش نمی‌کنم؛ کتاب فروش بگوید من این کار بکاتور مبتذل «زننده به‌گور» را نمی‌فروشم. این «زننده به‌گور» نیست این کتابی است که ناشر کتاب‌ساز استفاده‌جویی با سوءاستفاده از نام صادق هدایت برای منافع مادی سر هم کرده و به بازار آورده است!

کسانی که در حیطه ادبیات و کتاب شاغلند بایستی خود را در قبال این شاخه عظیم فرهنگ ایران مسئول بدانند، در غیر این صورت بهتر است حرفه دیگری برای خود اتخاذ کنند.

کتاب حاضر چند نکته را در خود دارد. نقد و نظرهایی که درباره «زننده به‌گور» شده، در آن آمده است. بعد متن داستان چاپ شده و بالاخره ترجمه جالبی از همین داستان به زبان انگلیسی آمده است. این ترجمه توسط Carter Bryant

صورت گرفته و در کتاب Hedayat's The Blind Owl Forty Years After چاپ شده است. در همین کتاب ترجمه نیز به زبان ارمنی آمده است. برگردان به ارمنی توسط خاچیک خاچر انجام شده و داستان کوتاه فارسی او در کتاب «یاد هدایت» ۸۱ به چاپ رسیده است. لوون آناپیان و گایانه گالوستیان و آلوارت آیدینیان نیز در ویراستاری و تایپ کامپیوتری این ترجمه معاضدت داشتند که از مترجم آقای خاچر و دیگر یاری‌دهندگان به این برگردان تشکر می‌کنم. و بالاخره از نشر ورجاوند که در چاپ این کتاب با نگارنده همکاری داشته‌اند تشکر می‌کنم

و جا دارد از فریبا لعلی زاده که در تنظیم و کارهای کامپیوتری مرا یاری داد تشکر کنم.

موجب امتنان است چنانچه صاحب نظرانی که اطلاعات بیشتری دارند، در اختیار نگارنده قرار دهند.

جهانگیر هدایت

زمستان ۱۳۸۳



زنده به گور